وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۳۳ | چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۸۲ | ۲۷ ذوالحجة ۱۴۲۴ - 18 February 2004

سرمقاله

انتخابات آینده وآیندهٔ دموکراسی در افغانستان

ص۲

دافغانستان دعالمانو شورا له ولسمشر سره دکتني په ترځ کي:

داسلامي ارزښتنو دساتني غوښتنه وکړه

ص۸

۲۶ دلو پانزدهمین سال روز اخراج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان تجلیل شد

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت درمحفل تجلیل از شکست نیروهای شوروی در افغانستان:

برنده ترین سلاح ملت ما در مقابل تهاجم کمونیزم

سلاح ایمان وعقیده وآزادمنشی واستقلال خواهی بود



الحمدلله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:

برادران و دوستان!

شکی نیست که درتاریخ ملت ها، روزهایی تاریخی وقابل افتخار وجود دارد در کشور عزیزما افغانستان نیز روز هایی تاریخی و پرافتخار موجود است که عمده ترین روز آنها همان روزهایی است که در آنها مردم متدین، مجاهد، آزاده وسر افراز ما در دفاع از دین، آزادی، استقلال وحاکمیت ملی شان در برابر قدرت های مهاجم قیام کردند وسرانجام ملت افغانستان از آنها پیروز به در آمده است. در جملهٔ روزهای پرافتخار معاصر ما رستاخیز بزرگ اسلامی وملی ملت ماست که در دورهٔ تهاجم اتحاد شوروی، این ملت یک پارچه و به دور از کشمکش های قومی، لسانی ونژادی به محور واحدی جمع شده وبرای دفاع از ارزش های دینی ودفاع از اسلام وآزادی وحاکمیت ملی شان قیام کردند. در شرایطی این قیام صورت گرفت که ص۳



یکی از آخرین دسته های سربازان شوروی که حین ترک افغانستان شکست خود را اعلام می دارند.

به این مناسبت محفلی با شکوه در لیسهٔ استقلال برگزار گردید

این محفل به ابتکار بنیاد علمای افغانستان برگزار شد، استادبرهان الدین ربانی رهبرجهادومقاومت، استادعبدرب الرسول سیاف رهبراتحاد اسلامی،والی کابل، تعدادی از وزرا،شخصیت های جهادی، دیپلوماتان خارجی مقیم افغانستان وسایرهموطنان شرکت کرده بودند.درابتدا آیاتی ازکلام الله مجید قرائت گردید،سپس سرود ملی نواخته شد. پس از آن آقای برهان امیری باایراد سخنانی چند محفل را آغاز کرد.

استاد سخنانی مبسوط در این محفل در پیرامون شکست نیروهای شوروی ایراد کرد که در این شماره متن کامل آن آمده است.

همچنان استاد عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی نیز در پیرامون چگونگی این پیروزی صحبت نمود. وی گفت:

«دراین شک نیست که مجاهدین افغانستان بزرگترین قدرت عصررابه زانو درآورده اند وسخنانی که یکتعداد آن رامبالغه می پنداشتند به حقیقت پیوست. اما علت همهٔ این کامیابی هاراهمانا توکل برخدا،عقیده، راسخ ورزمیدن ثابت مجاهدین تشکیل می دهدوعمده ترین علت پیروزی اطاعت ازخدا و ص۵



استاد سیاف



آیت الله محسنی

انتخابات، چالش قدرت و نگرانی ها

ص۲

سوم حوت جمعهٔ خونین کابل

وحید مژده

در تاریخ جهاد ملت قهرمان ما سه حوت از روزهایی است که هرگز فراموش نخواهد شد. زمانی که روسها با کشتن یک مزدور، مزدور دیگری را سوار بر تانک به کابل آوردند تا بر ملت حاکم سازند، گمان داشتند که دیگر مقاومت به پایان خواهد رسید و ارتش سرخ افغانستان را برای همیش تحت اشغال خویش در خواهد آورد.

اما سیاست اشغالگری روسها در افغانستان به جای این که به فروکش کردن موج های مقاومت بینجامد، به تحریک بیشتر انجامید و مقاومت شدید تر شد.

روسها هرگز گمان نداشتند که در کابل به مخالفت مواجه گردند. کابل جایی بود که خودفروختگان مزدور روس آن را شکارگاه اختصاصی خویش به شمار می آوردند اما ناگهان با صدای تکبیرها و خروش مردم مواجه شدند.

مردم گروه گروه به خیابان ها ریختند و با بانگ تکبیر و شعار های مرگ بر کمونیزم، مرگ بر شوروی، مرگ بر پرچمی ها و خلقی ها نفرت خویش از وطن فروشان و اشغالگران را نشان دادند.

محصلان دانشگاه و متعلمان مکاتب و مردم شهر همه به خیابان ها ریختند. مردم با دست خالی به قوای حکومت حمله می کردند. ص۵

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

حماسه شهریان کابل در ۳ حوت ۱۳۵۸

حماسهٔ سوم حوت ۱۳۵۸ در تاریخ مبارزات بیگانه ستیزانه و اشغال زدایانهٔ ملت تکبیر شعار افغانستان حماسه یی است ماندگار.

شهریان غیور و حماسه ساز کابل در این روز تاریخی با لبیک به فراخوان زعامت راستین سپاهیان دفاع از دین و وطن که از طریق پیام های نوشتاری در اختیار شهریان کابل قرار گرفته بود، حماسه یی آفریدند که نه تنها مزدوران تحمیل شده به وسیلهٔ تانک های تجاوزگران را سیه رو کرد که مشت کاخ نشینان کریملین وطراحان برنامهٔ اشغال افغانستان را در انظار جهانیان باز کرد و افسانهٔ ناتوانی مشت در برابر شمشیر را افسانه کرد.

همه کابلیان تکبیر شعار به یاد دارند آن شبی را که فردای آن سه حوت را ثبت تاریخ کرد، طنین تکبیرهای برخاسته از بام های منازل و مأذنه های مساجد، خواب را بر مزدوران فرومایه و صاحبان شان حرام کرد و همه آنچه را که در مخیلهٔ خویش ترسیم کرده بودند نقش بر آب ساخت.

سکوت حاکم بر شب تار کابل را شکستند، و شب پرستان را آگاه گردانیدند که ظلمت بردگی نمی تواند در این سرزمین پرتوی آزادی ص۶

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انتخابات آینده و آیندهٔ دموکراسی در افغانستان

ثبت نام رأی دهندگان برای انتخابات ریاست جمهوری در ماه قوس پیش از شروع کار لویه جرگه تصویب قانون اساسی به کار آغازیده بود. تا هنوز در سراسر کشور هشت حوزه جهت انجام این کار به فعالیت پرداخته است و به زودی باید درهمهٔ ولایات مراکزی برای این کار افتتاح گردد.

روند ثبت نام رأی دهندگان انتخابات در این هشت حوزه تا کنون به بسیار کندی همراه بوده است و آخرین گزارش های دفتر سیاسی ملل متحد در امور افغانستان یوناما نشان می دهد که شمار ثبت نام شدگان از مرز یک میلیون نفر گذشته است. برخی از تحلیلگران به این باورند که این رقم نظر به روزهای پیش نوعی از شتاب در کار ثبت نام رأی دهندگان را نشان می دهد ولی اگر بپذیریم که تعداد افراد واجد شرایط رأی دهی در افغانستان اندکی بیشتر از ده میلیون نفر است -بر پایهٔ یک آمار تخمینی دیگر- لذا عدد یک میلیونی در مقایسه با آن نسبتی بسیار کلان را نمی نمایاند و آن تنها بیانگر ده در صد واجدان شرایط انتخابات را می سازد.

هرچند، تا ماه ژون اینده زمان از پیش تعیین شده انتخابات بیشتر از سه ماه دیگر وقت داریم ولی در این زمان هم اگر روند ثبت نام به همین گونه حرکت کند نمی توان ثبت نام رقمی بزرگ از افراد واجد شرایط را انتظار کشید.

اگر رقمی بلند از واجدان شرایط رأی دهی ثبت نام نکنند بی تردید انتخابات آیندهٔ به چالشی بسیار جدی رو به رو خواهد شد. عدم موفقیت در برگزاری انتخابات اینده هم برای دولت انتقالی وهم برای جامعهٔ جهانی وسازمان ملل متحد وهم برای مردم افغانستان در راستای بازگردانیدن صلح و آرامش وبازسازی به این کشور و تلاش در جهت نهادینه کردن دموکراسی در آن بسیار سنگین تمام خواهد شد.

اکنون این پرسش مطرح می گردد که چه عواملی موجب این کندی در روند ثبت نام برای انتخابات آینده گردیده است؟ این مسأله اسباب وعواملی فراوان دارد و مهمترین آنها به باور ما به بی باوری مردم به اثر گذار بودن انتخابات در مدیریت ورهبری جامعهٔ افغانستان باز می گردد؛ چون بسیاری از مردم فکر می کنند که شرکت وعدم شرکت آنان در انتخابات تفاوت چندان به بار نخواهد آورد، نتیجهٔ انتخابات هرچه باشد شخص مورد نظر، برندهٔ مقام ریاست جمهوری خواهد شد.

مؤثرترین راه سرعت بخشیدن به روند ثبت نام رأی دهندگان زدودن این بی باوری به روند انتخابات دراندیشهٔ مردم است، و این بی باوری پس از لویه جرگه تصویب قانون اساسی بیشتر از پیش نیرو گرفته است؛ زیرا مردم به گونه آشکارا دیدند که آنچه را دولت خود می خواست در برخی از موارد بدون ملحوظ قرار دادن آراء و نظریات نمایندگان آنان در قانون اساسی آورد و حتی مواردی را پس از تصویب در توشیح تغییر داد!!

این بی باوری را تنها می توان با تضمین عملی دموکراسی در کار انتخابات آینده وطرح راهکارهای اطمینان بخش برای مردم در اثر گذار بودن مشارکت انان زدود و مردم را به آیندهٔ دموکراسی در این سرزمین استبداد زده امیدوار ساخت و این مسؤولیتی است که برپایهٔ موافقتنامهٔ بن بر دوش دولت انتقالی وجامعهٔ جهانی وسازمان ملل متحد نهاده شده است.

انتخابات چالش قدرت ونگرانی ها ۲

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

موانع ودشوارهای انتخابات در شرایط کنونی کشور

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در شرایطی که حکومت مرکزی به تمام قلمرو خویش حاکم نیست، کاری است دشوار. در صورت عدم تأمین امنیت پروسهٔ جمع آوری آرا با موانع جدی مواجه بوده و مسؤولان نمی توانند وظایف خویش چون ثبت و راجستر وجمع آوری آرای مردم را به درستی انجام دهند. اساساً در میکانیزم ثبت نام دشواری هایی وجود دارد که قبل از همه باید به رفع آن پرداخته می شد، وحکومت می بایست به آن توجه می کرد به رنگ نمونه لازم بود تا برای آحاد کشور تذکرهٔ تابعیت ویا کارت هویت با اعتبار توزیع می گردید که هر کس می توانست یک رأی استعمال می نمود، در حالی که هم اکنون استعمال چند رأی از یک انسان متصور است. آیا کدام تضمینی وجود دارد قبایلی که در جوار و مرزهای افغانستان زندگی دارند، و با اتباع افغانستان، زبان مشترک فرهنگ مشترک، حتی لباس وحرکات مشترک دارند. در یک زدو بند وقمار سیاسی در مقابل پول حتا یک ملیون ویا بیشتر از آن کارت ثبت نام به دست آرند، در حالی که هیچ نوع موانع مرزی بین اقوام وقبایل افغانستان واقوام مجاور همسایه ما وجود ندارد. جریان خلع سلاح که به منظور مهار کردن قدرت های محلی با بی میلی روی دست گرفته شده است و قرار است که یکصد هزار فرد مسلح خلع سلاح گردند و تازه آغاز شده است بالای جریان انتخابات اثر گذار خواهد بود.

یک سوم حصهٔ کمک ۱۶ میلیارد دلاری که جهت بهبودٌ وضعیت امنیتی از جانب ایالات متحدهٔ آمریکا برای افغانستان تخصیص داده شده، ناکافی بوده و مؤسسات ملی نباید توقع داشته باشند که با هزینه های فوق می توانند تمام خلای امنیتی در کشور را پر نمایند با در نظر داشت تمام این مشکلات بعید به نظر می رسد که بتوان به این زودی انتخابات عادلانه و آزاد را راه اندازی نمود.

برنامهٔ کاری ثبت و راجستر قرار است به کمک سازمان ملل توسط هفتاد تیم راجستر کننده ذریعهٔ ثبت کارت های هویت رأی دهندگان در شهرهای مختلف افغانستان عملی گردد. در رابطه به دور نمای انتخابات نظریات مختلف وجود دارد، تعدادی دور نمای انتخابات قبل از وقت را وخیم می پندارند، عده یی به این عقیده اند طوری که تدویر لویه جرگه اضطراری ولویه جرگه تصویب قانون اساسی با موفقیت به فرجام رسیده است، پروسه انتخابات به پیروزی خواهد انجامید.

اما پروسه انتخابات به مقادیر هنگفت منابع مالی ضرورت دارد. سازمان ملل متحد در ماه جون سال جاری آشکارا اعلان داشت که برای جریان ثبت نام انتخابات به ۷۸،۲ میلیون دلار ضرورت احساس می شود، از این رو ملل متحد از تمویل کنندگان این پروژه تقاضا کرد تا این مبلغ را بپردازند. این سازمان بعداً در اکتوبر ۲۰۰۳ میلادی اعلان کرد که هزینهٔ در نظر گرفته شده برای پروسهٔ ثبت رأی دهندگان کافی بوده و از ۴۹ میلیون دلار دیگر

> **نظریات مختلف وجود دارد، تعدادی دور نمای انتخابات قبل از وقت را وخیم می پندارند، عده یی به این عقیده اند طوری که تدویر لویه جرگه اضطراری ولویه جرگه تصویب قانون اساسی با موفقیت به فرجام رسیده است**

سخن گفت. وضمناً اظهار داشت که ده ملیون دلار که تا اکنون تادیه شده برای دور اول پروسهٔ ثبت نام رأی دهندگان کافی نیست این در حالی است که از ضرورت های دیگر از قبیل خریداری وسایل مورد ضرورت،

> **تعدادی از تمویل کنندگان در این که تدویر انتخابات منجر به تطبیق اصلاحات و تأمین صلح پایدار می گردد شک داشته وحتی تدویر آن را وخیم می پندارند**

استخدام کارکنان جدید وفراهم آوری امکانات لوژستیکی وتعلیمی اصولاً ذکری نشده است.

دلیل این که تا کنون در جهت پرداخت مقادیر بیشتر پول از جانب تمویل کنندگان اقدامی نشده است، موضوع بی میلی وبی علاقگی آن ها نیست، بلکه تعدادی از تمویل کنندگان در این که تدویر انتخابات منجر به تطبیق اصلاحات و تامین صلح پایدار می گردد شک داشته وحتی تدویر آن را وخیم می پندارند، یکتعداد منتظر اند تا وعده های داده شده ذریعهٔ سایر تمویل کنندگان جامهٔ عمل بپوشد تا آن ها نیز اقدام نمایند. وبرای یک تعداد دیگر بی امنیتی مسأله قابل تامل می باشد سازمان ملل و دولت افغانستان خود را درموقعیت خیلی ها دشوار احساس می کنند. زیرا از یک طرف باید آن ها فیصله های بن را عملی کنند، از سوی دیگر نگرانی های روز افزون امنیتی موانع عمده را در راه تطبیق آن به وجود اورده است. موارد مذکرهٔ فوق، اکثر تمویل کنندگان را در شرایطی که ایشان نسبت به موفقیت پروسه چندان خوشبین نیستند. از ادامه کمک بار می دارد. تعدادی از تمویل کنندگان اظهار می دارند، در صورتی که انتخابات نتواند اهداف مطروحه را در عمل پیاده کند. به ایجاد صلح در یک تیاتر سیاسی شباهت خواهد داشت. در افغانستان ۱۰،۵ میلیون رای دهنده، واجد شرایط پنداشته شده که از نظر قومی، فرهنگی با هم اختلاف دارند و همچنان در مناطق نا امن ویا کشورهای همسایه پراگنده اند. از سال ۱۹۷۹ بدینسو هیچ گونه سرشماری دقیق در کشور وجود نداشته و بیسوادی در میان همه اقوام و به ویژه زنان شایع است. عدم امنیت وسیاست های محلی نیز مانع عمده در جهت آزادی بیان و مقاصد سیاسی محسوب می شود با در نظر داشت مشکلات فوق تهیه لست مشمولان پروسهٔ انتخابات در کشوری مانند افغانستان که هیچ گونه آمار دقیق دموکراتیک در آن وجود ندارد و اکثریت اتباع کشور فاقد اسناد هویت اند خیلی ضروری به نظر می رسد جهت تهیهٔ چنین لست، سازمان ملل متحد درنظر دارد تا ۴۸۸۰ نفر را تربیه و با تکیه بر حمایت نیروهای ملی و بین المللی به ۴۰۰ ولسوالی افغانستان گسیل دارد. در صورتی که برنامه مطابق پلان طرح شده به پیش برود در آن صورت هر تیم در جریان شش و نیم ماه یعنی از اوایل دسمبر الی اواخر جون روزانه به تعداد ۳۰۰ نفر را ثبت و راجستر خواهند کرد. البته باید یاد آور شد که نظر به مشکلات جوی، دسترسی به یک میلیون و هفتصد هزار نفر صرفاً از طریق هوایی ویا استعمال حیوانات میسر خواهد شد. موضوع مهم دیگر که در ثبت نام رأی دهندگان محسوس است، موجودیت، مهاجرین، برگشت کنندگان بیجاشدگان داخلی و کوچی هاست. مشکلات ۲،۵ میلیون افرادواجد شرایط برای رأی دهی در دو کشور ایران و پاکستان به قوت خود باقی است، زیرا حوزه های ثابت و متحرک برای آن ها باید در نظر گرفته شود.

ثبت نام نیم میلیون کوچی ضرورت به طرح استراتژی خاصی دارد که ذیلاً بیان می شود:

۱-تفکیک کوچی ها از نیمه کوچی ها.

۲-تهیهٔ نقشه هایی که در آن نمونه های مهاجرتی تشریح شده باشد.

۳-ایجاد واحد های ثبت کننده و مراکز رأی دهی متحرک تا از تکرار در ثبت رأی دهندگان جلو گیری شود.

۴-مذاکره ومفاهمه با رهبران ملی، شناخت روان و زمینه های آگاهی آن ها در این امر بزرگ وارایه خدمات مدنی درکشوری مانند افغانستان که بیسوادی ابعادی گسترده دارد، وحکومت با مردم روابط نزدیک ندارد و در بیگانگی به سر می برد ومردم در سهم گیری در پروسه سیاسی کشور تجربه ناچیزی دارند بسیار مهم و حیاتی به نظر می رسد. بدون موجودیت ذهنیت لازم این هراس موجود است که انتخابات آرزوها و امیدهای مردم را بر اورده نه ساخته ص۷

برنده ترین سلاح ملت ما در مقابل تهاجم کمونیزم
سلاح ایمان وعقیده وآزادمنشی واستقلال خواهی بود

اتحاد شوروی به عنوان یک قدرت نظامی- سیاسی ویک ابر قدرت شکست ناپذیر تلقی می شد وهیچ کس تصور نمی کرد، در برابر این ابرقدرت کشورهای قدرت مندی بتوانند مقابله کنند، تاچه جایی که یک ملت ناتوان ویک کشور فقیر وعقب مانده مثل افغانستان وآن هم در شرایطی که نظام حاکم واحزاب قدرتمند برسراقتدار در پیشاپیش قشون سرخ برای سرکوبی ملت خود دست به کار شده بودند وجمعی از فرزندان این ملت، وجمعی از علمای این ملت وتعدادی از استادان، معلمین وجوانان این ملت وجمعی از دهقانان وتاجران ومردم مظلوم این کشور، درحالی که هیچ پشتوانهٔ خارجی هم نداشتند کمر همت بستند ودر برابر تهاجم اتحاد شوروی اعلان مقابله ومقاومت کردند وبعد از آن که مراحل بسیار سخت را پشت سرگذاشتند وگامهای بزرگی هم در این جهت برداشتند تازه دنیا متحد شد وکشورهای مختلف آرام آرام دست تعاون به ملت افغانستان دادند، در نهایت ملت ما پیروز شد. قشون اتحاد شوروی باذلت از افغانستان بیرون رانده شد. امروز که بعد از پانزده سال ما این واقعه را تجلیل می کنیم، چند مسأله را باید گفت وفراموش نباید کرد وآن این که نیروهای اشغالگر واستعمار گر در تهاجم خود اهدافی دارند؛ اهداف قصیرالمدت وهدف های دراز مدت، هدف اساسی قدرت های مهاجم تنها زمین گیری واشغال خاک نیست زیرا اگرهدف چنین می بود افغانستان زیاد برای اتحاد شوروی از لحاظ اقتصادی مهم نبود. هدف های استراتژیک هدف های سیاسی، فرهنگی دراز مدتی داشتند که برای رسیدن به این هدف ها دست به تهاجم زدند. آنها برای ریشه کن ساختن اندیشه های فکری وفرهنگی تهاجم خود را از افغانستان شروع کردند وملت ما برنده ترین سلاحی را که در اختیار داشت، هماناسلاح ایمان، سلاح عقیده، سلاح آزادمنشی وسلاح استقلال خواهی بود. اتحاد شوروی شکست خورد وملت ما به پیروزی رسید. حالا از خود می پرسیم: آیا برای حفظ ارزش هایی که عامل موفقیت ماشد، حالا چه تصوری داریم، آیا به ارزش های دیروز خود که باعث سربلندی وآزادی وباعث پیروزی ماشد توجه داریم؟ اگر صادقانه قضاوت کنیم نه خیر! توجه جدی به ارزش های فکری وفرهنگی خود نداریم، حتی ما می بینیم امروز درمرحله یی که سخت نیاز به وحدت وهمبستگی وحفظ ارزش های فرهنگی خود داریم، توسط خود ماوشما نه توسط قدرت های مهاجم ارزش های فرهنگی وارزش های جهادی ماهدف قرار داده می شود وماعلیه جهاد خود ومجاهدین خود، یک جنگ فرهنگی را شروع کرده ایم، بنام جنگ سالار ویاهر تعبیر دیگری تلاش هایی وجود دارد تاهمهٔ ارزشها وافتخارات دیروز خود را بکلی فراموش کنیم در این صورت بزرگترین جفایی است که به ملت خود به امنیت، ثبات وبه افتخارات دینی وملی خود می کنیم که تازه خون شهدای ماخشک نه شده وتازه هنوزهم کسانی که درسنگرهای گرم شرکت کردند، جراحات شان التیام نیافته ما شروع کردیم به از بین بردن این همهٔ ارزش ها وفراموش کردن آنها.

تلاش هایی وجود دارد تاهمهٔ ارزشها وافتخارات دیروز خود را بکلی فراموش کنیم در این صورت بزرگترین جفایی است که به ملت خود به امنیت، ثبات وبه افتخارات دینی وملی خود می کنیم

شکی نیست که هرجریانی شاید اشتباهاتی داشته باشد، این تنها مربوط به جریان جهادی ملت ما نیست. در انقلابات دیگری هم که در دنیا توسط نیروهای آزادی بخش صورت گرفته است در مقاطع مختلف از آنها اشتباهاتی سرزده است. اما آنها انقلابات بزرگ وافتخارات تاریخی خود را فراموش نکرده اند ولی بدبختانه درمیان، افرادی دستوری ویانفوذی هستند که اینها در دوران جهاد خطاهایی کردند. ویا افراد نادرست وناروایی که بعد از جهاد وپیروزی جهاد، کارهایی انجام دادند. امروز هم تعدادی از ما در سطوح اداری وکشوری تمام بحث وحجت خود را روی نقاط ضعف جریان جهاد متمرکز می نمایند و نقاط قوت و پیروزی آن را کمترحساب می کنند.

این فاجعه در سطح قضاوت های بین المللی هم درحال شکل گیری است چنانچه در جریان بعد از۱۱سپتامبر یک سلسله قضاوت های نادرستی هم صورت گرفته یقیناً فاجعهٔ اسفناکی توسط عناصر مفسد در۱۱ سپتامبر صورت گرفت ویکتعداد افراد بیماری که شاید دستوری ویا استخدام شده بوده باشند در کدام طرفی بخاطر بدنام ساختن ارزشهای والای جهاد وارزش های اسلامی تبلیغ کنند که یقیناً به نفع صلح وثبات جهانی نبوده واین را باید مسلمانان مخصوصاً ملت مجاهد افغانستان به صورت روشن، همه جابیان کنند که حرکت های تروریستی در هرجایی که صورت می گیرد بادین وارزش های دینی وجهادی ارتباطی ندارد، بلکه این حرکات بخاطر بدنام ساختن دین واسلام می باشد. لذا دامن پاک وچهرهٔ تابناک اسلام را نباید بااین حرکات آلوده، خدشه دار ساخت وحساب همچو مردمان بکلی دور از حساب اسلام ودین است. به این اساس جهاد مقدس ما نه تنها در افغانستان بلکه یک حرکت به سطح منطقه وجهان بود وامنیت را در افغانستان وجهان به وجود آورد زیرا مهمترین خطری که جهان را تهدید می کرد خطرمارکسیزم متجاوز بود که مارکسیزم به عنوان یک اندیشهٔ تجاوز گر نه تنها علیه فرهنگ ما بلکه علیه کشورهای مختلف به خاطر از بین بردن امنیت درجهان پنجه های خود را به قاره های مختلف آسیا، امریکای لاتین وافریقا دراز کرده بود ودر همه جا مراکز بی ثباتی توسط مارکسیزم رهبری می شد وامروز هرجایی که تشنجی را درکشورها می بینید شاید۹۹٪ تشنجات درجاهایی وجود دارد که در آنجا نظام های مارکسیزم حاکم بودند.

حرکت های تروریستی در هرجایی که صورت می گیرد بادین وارزش های دینی وجهادی ارتباطی ندارد

جای خوشی است که یک باردیگر افغانستان مورد توجه جهانیان قرار گرفته است این موضوع را به نظر قدر می بینیم واین را تأکید می نماییم که همکاری دنیا یقیناً در ثبات واستحکام امنیت نه تنها در افغانستان بلکه در منطقه مفید خواهد بود وزمانی آرمان بین المللی وآرمان ملی ما تأمین شده می تواند که هماهنگی در قسمت همکاری ها به میان آید. اساساً امنیت وثبات زمانی در یک کشور استحکام پیدا می کند که مردم معتقد شوند، که در جهت نهادینه شدن ارزش های فکری وفرهنگی وتاریخی این ملت فعالیت های دوستانه جریان دارد، هیچ تضادی در میان دوطرز کار وجود ندارد وهمگی در یک جهت حرکت می کنند، یعنی دنیایی که باما همکار اند در قسمت استحکام امنیت واستقلال افغانستان، تثبیت هویت ملی افغانستان، حفظ تاریخ، فرهنگ وارزش های این کشور و در قسمت مبارزه باجهل، فقر ومحرومیت که ملت ما باآن پنجه نرم می کند باما دست همکاری می دهند وهمآهنگی در این بخش یقیناً ثمربخش می باشد وهیچ نوع تشنجی ایجاد نمی کند، یقین داریم که این پروسه به صورت همآهنگ باتمام ارزشهایی که دارد هیچ دست ناپاکی از دور ونزدیک این را خدشه دار ساخته نمی تواند.

یقین داریم که دنیایی که به امنیت وبازسازی کشور ماعلاقه دارد وهمکاری می نماید آنها متوجه این نکته هستند وباید هم باشند که این ملت از خودفرهنگی دارد، از خود خصوصیت وارزش های دینی دارد؛ آن دینی که باهیچ فرهنگی اعلان جنگ نکرده ونمی کند.

از آنجایی که افغانستان به طرف جهانی شدن پیش می رود قرآن ما هم جهانی شدن را منحیث پیام الهی مطرح می کند وبه همه ادیان وپیروان فرهنگ ها وتمدن های مختلف بخصوص دنیایی که معتقد به خدا وایمان هستند از آنها می خواهد که همه یکجا بامسلمانان دست به دست همدیگر دهند وهیچ وقت اسلام طرفدار قتل و وحشت نبوده چنانچه پیغمبر«ص» می فرماید که بشریت حیثیت یک خانواده را دارد، اگر قطرهٔ خون ناحق میریزد عرش خدا به لرزه می افتد.

به هر حال پیام این روز تاریخی را به تمام دنیا می رسانیم که ملت افغانستان درحفظ ارزش های دینی، آزادمنشی واستقلال خواهی خود و درقسمت استحکام امنیت درمراحل مختلف تاریخی گامهایی مثبت برداشته اند قسمی که درمبارزه علیه اتحاد شوروی گام بلندی برداشتیم وپیروزی بزرگی هم در این راستا نصیب ملت ما شد باتأسف باید یاد کرد که یا کمبودی ها در خود ما بود ویا دست های ناپاکی از بیرون ویاعناصر کج فهم وکج اندیشی بود که مشکلات را ایجاد کردند وما در شرایط کنونی یک بار دیگر احتیاج داریم به وحدت وهمبستگی ووحدت میان همه اقشار افغانستان وهمبستگی عملی درما بین مردم و دولت.

اگر مردم احساس کنند که بین ملت ونظام، وارزش های دینی وفرهنگی کشمکش وجود ندارد، همه درجهت استحکام این ارزش ها کار می کنند همه در عرصه های مختلف همنوا هستند یقیناً وحدت سرتاسری به میان می آید.

افتخار این روز مربوط به همه افغانها وهمه دوستان افغانستان که بار دیگر دست دوستی به افغانها داده اند می باشد. امیدواریم بااستفاده از این افتخار وارزش ها، آرمانهای شهدای خود را برآورده سازیم.

این روز را پیش پا افتیده تلقی نکنیم، و گرامی اش بداریم وآن را تجلیل کنیم و هدف این روز را در ضمیر خود وملت خود برای همیش جادهیم.

دموکراسی ولایتی!!

ابوبکر سبزوار

چنین فرض می شود که دموکراسی بهترین نظامی است که در آن ارادهٔ مردم می تواند در عمل پیاده شود. مردم می توانند با رأی خود در ادارهٔ کشور خویش مشارکت داشته باشند.

درکشور ما هم پس از سقوط رژیم طالبان دموکراسی به عنوان داروی همه دردهای این ملت تجویز گردید ومردم باوجود تجربهٔ تلخ دههٔ دموکراسی ظاهر شاه(۱۳۴۳-۱۳۵۲) وبه این امید که شاید این بار دموکراسی نه قلابی وبه قول بعضی ها«دیسی» بلکه اصلی یا به عبارهٔ دیگر«ولایتی» باشد از آن استقبال کردند.

اصطلاح دیسی ولایتی از پیداوار زبان اردو هندبریتانوی است که دیسی را می توان«وطنی» و«ولایتی» را خارجی ترجمه کرد.

در دوران سلطهٔ بریتانیا برهند انگلستان را اصطلاحاً«ولایت» می خواندند وهرآنچه که مارک انگلیسی می داشت ولایتی خوانده می شد.

مردم ماهم به این باور بودند که دموکراسی«ولایتی» که خارجیان پشتیبان آن اند شاید از همان نوعی باشد که درخود آن کشورها وجود دارد در حالی که امروز و درست در زمانی که قانون اساسی از تصویب لویه جرگه می گذرد باکمال یأس متوجه می شویم که دموکراسی جدید«دموکراسی ارشادی» است یعنی آنچه را که ولایت ارزش های دموکراتیک برای ما تشخیص دهد باید همان را دموکراسی بدانیم.

به عنوان مثال: قانون اساسی کشور تصریح می دارد که ستره محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را دارا است وستره محکمه یا قوهٔ قضائیهٔ کشور به استناد مادهٔ سوم قانون اساسی اعلام می نماید که آواز خوانی زنان در رادیو افغانستان مخالف دین، عنعنات وقانون اساسی کشور است. در اینجا قانون اساسی ودموکراسی به یک چلنج بزرگ مواجه می شود که دست اندرکاران کشور باید باآن بادرایت برخورد نمایند ولی دریغ که چنین نمی شود. وزارت اطلاعات وفرهنگ حکم قوهٔ قضائیهٔ کشور را فقط یک موعظه می داند وبه آن وقعی نمی نهد وبازبان حال وحتی زبان قال می گوید: حرف مفتی نزد من جز حرف مفتی بیش نیست!

در«ولایت» هم برضد ستره محکمه تبلیغات اوج می گیرد روزنامهٔ نیویارک تایمز در مقاله یی قاضی القضات ومعاون وی را به باد انتقاد می گیرد وحتی مادهٔ سوم قانون اساسی را که در آن تصویب ونفاذ هرقانون در افغانستان منوط به مطابقت آن بااسلام شناخته شده ماده یی خطرناک که ممکن است به نفاذ شریعت در افغانستان بیانجامد می خواند.

اگر رأی نمایندگان ملت در لویه جرگه در نزد مدعیان دموکراسی در«ولایت» ارزشی داشته باشد باید به آن رأی احترام بگذارند که البته چنین نیست وباهمین پشتوانه است که وزارت اطلاعات وفرهنگ قانون اساسی واستقلالیت قضا را یکسره زیر پا می کند وآقای کرزی هم از زیر پاکنندگان این اصول تمجید می نماید واز کار وزارت اطلاعات وفرهنگ ابراز رضایت می فرماید:

بدنیست در آخر به سخنانی از آقای خلیل زاد به عنوان حسن ختام اشاره کنم که در اعلامیه یی مطبوعاتی به مناسبت توشیح قانون اساسی انتشار داده اند.

... ایالات متحدهٔ امریکا تازمانی که«مردم ودولت افغانستان» کلمات قانون اساسی را به ادارهٔ سیاسی واقعی مبدل می سازند وحقوق اعطا شده در سند را به واقعیت های اساسی زندگی افغانها مبدل می نمایند درکنار مردم افغانستان خواهد بود.

در بخش دیگری از این اعلامیه می خوانیم: حاکمیت قانون یکی از عناصر کلیدی در پیشرفت کشورهای موفق جهان به شمار می رود وامروز مردم افغانستان قدم بزرگی را درجهت همردیف شدن آنها با آن کشور را برمی دارند.

بخشی از منظومهٔ "آبی" خاکستری "سیاه" از حمید مصدق:

آبی، خاکستری، سیاه

در شبان غم تنهایی خویش،
عابد چشم سخنگوی توام
من در این تاریکی،
من در این تیره شب جانفرسا
ز اثر ظلمت گیسوی توام

●●

گیسوان تو پریشانتر از اندیشهٔ من
گیسوان تو شب بی پایان
جنگل عطر آلود

●●

شکن گیسوی تو،
موج دریای خیال.
کاش با زورق اندیشه شبی
از شط گیسوی مواج تو، من
بوسه زن برسر هر موج گذر میکردم
کاش بر این شط مواج سیاه
همهٔ عمر سفر می کردم

●●

باز کن پنجره را
من تو را خواهم برد،
به شب جشن عروسی عروسک های
کودک خواهر خویش
که در آن مجلس جشن
صحبتی نیست زدارایی داماد و عروس

صحبت از سادگی وکودکی است
چهره ای نیست عبوس

●●

باز کن پنجره را
من تو را خواهم برد
به سر رود خروشان حیات
آب این رود به سر چشمه نمی گردد باز
بهتر آنست که غفلت نکنیم از آغاز
باز کن پنجره را!!!
– صبح دمید!

●●

دل من می سوزد
که قناری ها را پر بستند
که پرپاک پرستو ها را بشکستند
وچه امید عظیمی به عبث انجامید

●●

من به هنگام شگوفایی گلها در دشت،
باز بر می کردم
وصدا می زنم:
"آی!
"باز کن پنجره را
"باز کن پنجره را–
در بکشا
"که بهاران آمد!
"که شگفته گل سرخ
به گلستان آمد!
باز کن پنجره را
.
.
.

"اسامه"، تحولی شگرف در سینمای افغانستان

کوه نوری

عمر سینما و فیلم سازی در افغانستان چندان طولانی نیست، ولی تماشای فیلم در سینماها هم همزاد و همسال سینمای افغانستان است.

ما از آوانی که توانستیم به مکتب برویم به سینماهای شهر هم سر زده ایم از همان آوان فیلم های را دیده ایم که از صد فیلم، نودو هشت در صد آن فیلم های هندی بوده اند.

حالا با این در صد بالای فیلم های هندی که در افغانستان به نمایش گذاشته شده اند، غیر طبیعی هم نیست که اگر بگوییم ذهن ما دیگر به این فیلم ها چنان معتاد شده است که بیشترینه مایل نیستیم دیده به روی فیلم هایی باز کنیم که به روال دیگر تهیه شده باشد.

از نظر اکثر بیننده های افغانی فیلم خوب یعنی همانی که قهرمان دختر وپسرش پیش از دلدادگی و گذشتن از یک سلسله حوادث و رویدادهای کلیشه یی و قابل پیش بینی، سر انجام یا به هم می رسند و در برخی از فیلم ها پسر یا دختر فیلم (هیرو یا هیروین فیلم) کشته می شوند و فیلم درمیان باز تاب عاطفی سلیقه یی بینندگان به پایان می رسد.

بیشترینه فیلم هایی هم که تا کنون در افغانستان تهیه شده اند فیلم های اند که به نحوی از انحا در سایهٔ تأثیرات سینمای هند پردازش یافته و تهیه شده اند که به هیچ وجه نمی توان آن ها را محصولی در خور تماشا وقابل اتلاف وقت دانست.

خوانده بودم که فیلم خوب عموما دارای سه لایهٔ ظاهری، میانی و باطنی است و خوانندگان با در نظر داشت سلیقه های متفاوت و سطح برداشت متغیر شان هر یک به نوبه خود از این لایه ها برداشتی دارند و به همین میزان نیز از تماشای فیلم لذت می برند.

بیشترینه فیلم های هنری هندی همان هایی اند که بیننده ها می توانند همان لایهٔ ظاهری را ببیند و لذت ببرند. به عبارت دیگر این فیلم ها طوری تهیه شده اند که اکثراً همان لایه ظاهری را دارند، و معمولاً رویدادهای بازاری وسطحی را باز تاب می دهند.

با حوادث و رویدادهایی که در کشور ما پیش امد، فاجعه و مصیبت دامن هنر و عرصه های گوناگون آن را گرفت و سینما نیز به عنوان هنر هفتم، آسیبی دید که جبران آن مانند هر ضایعه فرهنگی امکان ناپذیر می نماید.

با آن همه مصایب و آلام که بر ما روا داشتند، هنر مندان وفیلمسازان افغانستان از تلاش نه ایستادند و در سال های اخیر جسته گریخته فیلم هایی ساخته اند که نمی توان از آن اغماض کرد.

اخیراً هنرمند خوب وسینماگر شهیر کشور، "صدیق برمک" فیلم جدید "اسامه" را که یک فیلم بلند هنری سینمایی است دایرکت نموده می توان آن را به عنوان یک رویداد بزرگ وتکانهٔ قوی در سینمای افغانستان دانست.

برمک با این فیلم توانست دوازده جایزهٔ مهم را کمایی کند واخیراً جایزهٔ "کرهٔ طلای" را تصاحب وکاندید جایزه اسکاراست. "اسامه" سرگذشت "زن" افغانستان است که در زیر سایه حاکمیت سیاه ومتحجرانه یی نفس می کشد، می تپد، تقلا می کند و برای زنده ماندن دست و پا می کند.

فیلم با ظهور پسر بچه یی که با قطی آتش اندود اسپند دود می کند آغاز می یابد. این آغاز نیز در یک دید کلی می تواند آغازی نمادین باشد. در سایه حاکمیت سیاه واستبداد زندگی چه می تواند باشد جز سوختن در آتش سوزان و دود شدن و با وصف آن زیستن و تپیدن.

پسر بچهٔ اسپندی با همان سخنان متداولی که در عرف مردم و در فرهنگ مردم اکنون رسوخ نموده بینندهٔ خود را به تماشای صحنه های فیلم می کشاند



و بعد از آن وقتی زنان چادری پوشیده دسته دسته وگروه گروه، با ظهور دسته جمعی شان نان وکار می طلبند، عمق فاجعه و مصیبت دردناک دوران وحشت طالبان را به نمایش می گذارد. در اینجا هیچ صحنه یی غیر متداول و تصنحی به نظر نمی رسد. آدم ها، صحنه ها، محیط و اشیای دور و بر نیز کاملاً طبیعی و عادی ظهور نموده و نگرش عمیق ورنالیستیک فیلمساز و کار گردان را آشکار می سازد. از ویژگی های بارز "اسامه" این است که کلیهٔ بازیگران آن را کسانی تشکیل می دهند که هیچگاهی در برابر دور بین فیلم ظاهر نشده اند و هیچگونه آگاهی، تحصیل وتخصصی نیز در زمینه ندارند و حتی بسیاری از آن ها از جمله خود قهرمان مرکزی فیلم (مارینا گلبهاری) هیچگاه به سینما نرفته وفیلمی را تماشا نکرده است.

با ورود به صحنه های فیلم شما متوجه می شوید که "اسامه" بر علاوه لایه ظاهری برای تماشا گر لایه باطنی نیز دارد و این مایهٔ برتر برای یک فیلم هنری می باشد.

بیننده با رسوخ به این لایه است که می تواند درک کند فیلم چه بار بزرگ محتوایی دارد و "اندیشه" فیلم چه است.

نمی دانم کجا خوانده بودم که هرچه خنده آور است سطحی و هرچه تراژیک، عمیق و ژرف است.

باری این مقوله، اگر توانسته باشم آن را خوب ارایه کنم در مورد "اسامه" نیز صادق است.

بیننده هرچه به عمق فیلم رسوخ می کند، بیشتر جذب جاذبه فیلم گردیده و خود بخود از رویدادهای فیلم متاثر می گردد.

کار گردان با دید و بینش واقع نگرانه خود نه از حاشیه که از عمق حوادث به جامعه می نگرد و در این میان، دوربین فیلمبردار در ضبط حوادث طوری عمل می کند که رخداد زندگی قهرمان فیلم را در متن رویدادهای واقعی جامعه دریافت و در فیلم نمایش یابد. از این رو است که فقر و فلاکت قهرمان اصلی و مرکزی فیلم از پشت پردهٔ چادری که ناشی از فقر فرهنگی جامعه هم است به بیرون درز می کند و آنگاه است که اگر نه در واقع، در ظاهر جنسیت خود را با گرفتن موی تغییر می دهد تا با دنیای مردانهٔ طالبی همساز باشد و به این ترتیب نان که قمار اصلی زندگی در چنین جوامع است تهیه گردد.

مارینا در این نقش مرکزی موفق است. بلکه کمتر کسی را می توان در این نقش چنین کامیاب یافت آن گونه قهرمانی را که از بازار دستیاب و به مقابل فلش کامرهٔ فیلمبرداری برد. دختری که هنوز در خیال ریسمان بازی است در غم نان چنان در چنبرهٔ حوادث و رویداد های غم اندود اسیر می گردد که برایش مجال گریز نمی ماند.

تبارز اسلام دکم و متحجرانه طالبی در سطح میخکوب زن در درون چادری و خانه و قفل نهادن بر اتاق های زنان و تحکم و تاکید تعلیم دهند گان اسلام تنها بر غسل و انواع آن تا آنجا عمل کرد احمقانهٔ طالبان را تبارز می دهد که به همان پیمانه بینش و درک آن ها از اسلام را. سمت و جهت یابی رویدادها منطقی و واقعی است و هیچ صحنه را نمی توان در فیلم یافت که بی رخداد واقعی آن در جامعه ما اقبال ضبط یافته باشد.

قهرمان در چنبره سنتهای کهنه و جاهلی زمان که هیچگونه پیوند عاطفی و واقعی با اصول دین هم ندارد سرانجام گرفتار می گردد و فیلم با نمایش "ملا صاحب" پس از یک زفاف وحشیانه با غوطه ور شدن در دیک حمام پایان می گیرد و آن گاه دود ناشی از ریزش اب از دیک حمام بر آتش گونه نمادین زندگی دود شده یی را نشان می دهد که در آن بدبختی وسیاه روزی قهرمان با سیاه روزی دیگری آغاز می یابد.

گفته اند که نیمی از معنای اثر هنری نزد مخاطبان اثر است ولی ما هنوز به مرحلهٔ نرسیده ایم که درک و بینش هنری بالایی داشته باشیم تا به عمق وارزش واقعی یک اثر سینمایی پی ببریم از همین رو "اسامه" شاید نتواند ذوق آنانی را که به فیلم های مبتذل و پوچ هندی خوی کرده اند بر آورده سازد از این رو رسالت دیگری هم لازم است تا سطح درک هنری مخاطبان هنر را باید بالا برد.

با همه اینها همان گونه که علامه جعفری گفته اند: هنر ناب هنری است که عوام آن را بفهمند و خواص آن را تحسین کنند "من خود را در جمله فهمیده گان فیلم می دانم و نیک می دانم که خواص جامعهٔ ما نیز آن را تحسین خواهند کرد.

فراموشی

حاصی

درد دل، غمنامهٔ دریا فراموشم شده
داستان عشق سرتا پا فراموشم شده
رنگ باغ از خاطر پاییز بندم رفته است
خنده های نازک لیلا فراموشم شده
لحظه هایی را که عمری پرورانیدم چون نفس
آن خیالات، آن همه رویا فراموشم شده
ساز بر هم خورده ای جان وتنم را می نواخت
یار عنوان کردمش اما فراموشم شده
طرح موزون، نقش رنگارنگ، پایان جمال
آنچه خوانا بود از آن حالا فراموشم شده

من آن روز آغشته دیدم به خون پیکرش را
وبشکسته دیدم به وقت تپیدن پرش را
رخ اسمان را دگرگونه رنی بر افروخت
که خورشید می برد، آنسوی مغرب سرش را
سپاه سیاهی فراز آمد از مرز دوزخ
که تا بستر دپاسدار من و سنگرش را
زمین مرا، ده دار و درخت مرا
به باد فنا بسپرد خاک و خاکسترش را
من از پشت دیوار اندوه دیدم که یکسر
هجوم خشونت بخشکاند بار وبرش را
سیه داستانی ست آگنده از درد این بوم وبر را
که بگرفته ازنگ غم چهره و منظرش را
الا ای سپاهیان رو شندل مرز خاور
بدرید! افسون شب مایه ولشکرش را
که تا مرغ خورشید خیزد زمشرق دو باره
سپهر از مه و ماغ شوید برو بسترش را

عزیز الله آریا فر

سوم حوت، جمعهٔ خونین...

در کنار پسران جوان مکاتب و پوهنتون دختران نیز به شهادت رسیدند که ناهید ساعد از آن جمله بود.

ببرک که به نمایندگی از پرچمی ها به کرملین اطمینان داده بود که با به قدرت رسیدن وی در کابل، مردم از وی به حمایت برخواهند خواست، با این قیام اعتبار خود را نزد باداران خویش از دست داد و روسها متوجه شدند که هردو شاخه از حزب خودساخته، آنان به مشکل منفور بودن از جانب ملت مواجه اند. کمونیست ها با رگبار گلوله به سراغ تظاهر کنندگانی رفتند که با دست خالی به خیابانها ریخته بودند و جاده های کابل از خون مردم رنگین شد.

روسها با وجود این که سالهای متمادی در افغانستان کار کرده و در مورد مردم این کشور تحقیق نموده بودند اما با حمله به افغانستان نشان دادند که شناخت غلطی از افغانها در ذهن دارند. آنها نه تنها در مورد روحیهٔ افغانها دچار اشتباه محاسبه شدند بلکه عکس العمل های بین المللی را نیز در صورت حمله به افغانستان دست کم گرفتند.

قیام سه حوت کابل هوشدار بسیار روشنی به تجاوز گران روس بود که باید در مورد عواقب خطرناک اقدام خویش می اندیشیدند اما در اتحاد شوروی مشکل بزرگ این بود که اگر دولتمردان کرملین مرتکب اشتباهی می شدند خود آنان آخرین کسانی بودند که به اشتباه خود پی می بردند.

کرملین تحت تأثیر افکار عمومی در داخل شوروی قرار نداشت. سیستم سانسور اخبار در نظام کمونیستی، مردم را در مورد وقایعی که در خارج واقع می شد در تاریکی نگه می داشت. حتی سربازان روسی که به افغانستان آمده بودند در مورد این که در داخل افغانستان چه می گذرد تصویر روشنی درذهن نداشتند. آنها گمان می کردند که درافغانستان قوای کشور های امپریالیستی و چین مستقیما درگیر جنگ با آنان اند.

وقتی قیام مردم کابل توسط کمونیست ها وحشیانه سرکوب شد در شهر اعتصاب عمومی به راه افتاد. سه روز دکان ها بسته شد و مردم از خانه ها بیرون نشدند. کابل به شهر ارواح مبدل گشت. رادیو کابل با التماس از دکانداران می خواست که دکان های خود را باز کنند.

قیام مردم کابل در سه حوت در حقیقت ابراز همبستگی با جهاد بود و مشت محکمی به دهان کسانی بود که تبلیغ می کردند مخالفان دولت کمونیستی فقط مشتی فئودال و سرمایه دار اند که می جنگند و عده یی از مردم روستایی که تحت تأثیر تبلیغات دینی قرار گرفته اند از آنان حمایت می کنند.

جمعهٔ خونین کابل در سوم حوت ۱۳۵۸ نشان داد که مخالفت با اشغالگری و استعمار شهر و روستا نمی شناسد.

•••

افغانها به بهای قربانی بسیار عظیم، حماسهٔ بزرگ آفریدند اما خود از این قربانی و پیروزی بهره نبردند. آنها بر جنگ سرد نقطهٔ پایان نهادند ولی در فرجام خود وجه المعاملهٔ پایان این جنگ قرار گرفتند و بعد به فراموشی سپرده شدند.

امروز هستند کسانی که مجاهدین را متهم به نقض حقوق بشر می کنند. از آنان باید پرسید که واقعا چه کسانی آغاز گر این بدبختی و خشونت در افغانستان بودند؟ چرا نامی از آن جنایات هولناک و آن جنایت پیشه گان در میان نیست؟

علی گل پیوند وابسته به حزب خلق که خود پس از سرنگونی امین به زندان افتاد در مورد چشمدید خود از جنایات یاران خویش به رادیو بی بی سی گفت:

... در زندان تراژدی بزرگ افغانستان را مشاهده کردم. چنان تراژدی که تا قرن ها در تاریخ کشور ما فراموش نخواهد شد. من مرگ افغانها را با چشم مشاهده می کردم طوری که زندانیان محکوم به اعدام را به اتاق ما می آوردند و زمانی که می خواستند آنها را به اعدام ببرند چراغ های زندان را خاموش می کردند و سربازان یک یک نفر را بیرون می کشیدند. به یاد دارم در سال ۱۳۶۲ یک دستهٔ بزرگ از زندانیان اعدام شدند. در آن شب حدود سه صد و شصت و چند نفر را یکجا اعدام کردند. سرباز به اتاق داخل شده نام شخصی را که مجاهد بود صدا زد و گفت بیا که ترا فرمانده صاحب خواسته است. زندانی مجاهد به آواز بلند گفت: شما از مرگ من نیز هراس دارید. چرا نمی گویید که بیا اعدام می شوی؟ من از اعدام شدن هراسی ندارم. این راه ماست، راه حق است. روسها از کشور ما خارج می شوند و ما به آزادی می رسیم.

این سخنان را یک کمونیست بر زبان می آورد نه یک مجاهد، واین فقط بخشی از آن تراژدی بزرگ است. مردم افغانستان بیاد دارند که پس از کشته شدن تره کی، حفیظ الله امین لست یازده هزار زندانی مسلمان را که بدست خود او و دژخیمان همچو او به شهادت رسیده بودند به دیوار وزارت داخله نصب کرد تا از مراجعهٔ خانواده های زندانیان به مراجع دولتی جلوگیری شود. در دوران سلطهٔ شوروی بر افغانستان بیش از شصت هزار نفر مفقودالاثر شدند که از آن جمله فقط استخوان های اندکی از آنان در گور های دستجمعی پولیگون پلچرخی یافت شد.

سوم حوت ۱۳۵۸ از لکه های ننگی است که بر جبین خودفروخته گان کمونیست در افغانستان نقش بسته است و تاریخ افغانستان تا ابد این جمعهٔ خونین را به یاد خواهند داشت.

کابل دسوالګرو او خیرات خورو ښار

ش زیارمل

بې سرپرستي او بې سرپناهي له مخې دسړکونو څنډوته راوتلي او له سهار نه بیا تر ماښامه دوي هر لاروي ته دسوال لاس اوږد کړي او دمرستي هیله ترې کوي

ما داطلاعاتو او فرهنګ وزارت تر څنګ له یوي سوالګرې ښځي څخه چي له خپلو دریو بچیانو سره دخیرات راټولولو په تمه ناسته وه پوښتنه وکړه چي ایا دا ډیره ستونزمنه خبره نه ده چي ته په دي سړه هوا کي ددي واورو تر څنګ دسوال او خیرات راټولولو له پاره ناسته یي؟

هغې په ځواب کي وویل: وروره زه خو له هوس نه ناسته نه یم. زما بچیان وږي دي بربنډ دي. ناروغه دي کـه زه دلته کښېني نه نو تا سوواياست چي دوي ته به څوک ډوډي ورکړي، دوي ته به څوک جامي برابري کړي او دوي ته به څوک دوا درمل واخلي؟

زه په داسي حال کي چي ددغي سوالګرې مور په ځړګندونو لاړیات اندیښمن شوم له هغي نه مي بیا پوښتنه وکړه: ایا تاخپل بچیان کوم مرستون ته نه دي وړي. هیله نه لري چي ستا بچیان په مرستون کي ووزول شي او ته ئي له غمه خلاصه شي؟

هغي وویل: ما خو څو ځله خپل دغه بچیان مرستون او پالنځيو ته وړي خو دبده مرغه چي په دغسي ځایونو کي بیا هغه څوک شامليږي چي واسطه او وسیله ولري. موږ بې چاره خلك څوك هلته نه پرېږدي. کـه ستاسو له

خینو کسانو څخه له بد اخلاقي نه ډکې خبري اورو. موږ ته ډیر خلك د هوس په سترګه ګوري او موږ ترې ډډه کوو. موږ هم نه پوهېږو چي بالاخره زموږ برخلیك به څه وي. کاشکي



زموږ په څیر بې سرنوشته کسانو ته دامن ځاي وي، کاشکي داسي کومه موسسه وي چي موږ په کي کار او کسب زده کړي وي او کاشکي څوك بې مطلبه زړه سواند مو پیدا کړي وي چي زموږ عزت ئي ساتلي وي. اوس ته ووایه چي موږ سوال و نه کړو، خیرات ونه غواړو، نور څه وکړو!؟

په داسي حال کي چي زما زړه ددغسي خبرو په اوریدو زیات وخوړید له مانه هم لاړه ورکه شوه. څکه نه ماله دوي سره څه مرسته کولای شود او نه مي په دغي بې انصافه ټولنه کي ددوي دمرستي له

که نن ورځ دافغانستان ټول لوی او کوچني ښارونه او په خاص ډول دکابل ښار لاړو او کوڅو ته نظر واچوو نو وبه وینو چي په هره څلور لاره، پلي لاره او فرعي سړکونو کي سوالګري ښځي او نارینه، معلولین او معیوبین ناست دي. له هر لاروي څخه دڅه ورکولو تمه او هیله لري او په همدغه پیسو باندي دوي خپل ژوند تیروي. که موږ له دي هریو سره کښینو او دزړه خواله ورسره وکړو نو وبه پوهیږو چي ددوي اکثریت دلوږي، مجبوري لامله څه مرسته کیږي نو هیله ده چي دریغ ئي نه کړي

همدارنګه لږ وړاندي په ښادري کي یو دوه ځواني تور سري ولاړي وي او هرچاته ئي دسوال لاس نیوه. کله چي مي له هغوي څخه پوښتنه وکړه وي ویل: موږ بې سرپرسته یوو. دواړه خویندي یوو. پلار او دوه وروڼه مو په تیرو لعنتي جګړو کي له لاسه ورکړل هیڅوك نه لرو چي زموږ دخوراك څښاك غم وخوري. هیڅوك نشته چي زموږ دعزت په فکر کي شي. موږ له

پاره کومه مرجع پیدا کولاي شوه او دي نتیجي ته ورسیدم چي خیریه موسسي هم له هغه چا سره مرسته کوي چي واسطه ولري. هغه څوك مني چي سپارښتنه ئي وشي. ددغو خیرات خورو دي خداي (ج) مل شي

که موږ ددغه راز بې سرپرسته اړو او بې سرپناه خیرات خورو په باب لږ فکر وکړو نو دي پایلي ته به ورسیږو چي په پاي کي به دغه راز کسان چي په خیرات غوښتني کي راسترېږي حتما بدو کارونو ته لاس

واخوي. غلا، وژنه او عزت پلورنه به پیل کړي او ټول ښار او ګرده ټولنه به ددوي له اعمالو څخه نا ارامه شي.

هیله من یوو چي دافغانستان د اسلامي انتقالي دولت اړوند چارواکي دغو واقعیتونو ته په ځیر کیدو سره دکابل ښار او دهیواد له نورو ښارونو څخه سوال ګران راټول کړي. هغو ته دي دټولي دستره خیریه موسسو او دمرستندویه هیوادو په مرسته، مرستونو ته جوړ کړي دهغوي بچیانو او ځوانانو ته په دغو مرستونونو کي کار او کسب ور زده کړي او داسي ئي وروزي چي سبا ورځ دخپلي ملا ماتي او جنګ ځپلي ټولني داوړو پیټي نه وي بلکي دخپل هیواد له پاره یو ګټور او فعال غړي جوړ شي او د ټولني په بیا رغونه کي کارنده او اغیزمنه برخه واخلي

به این مناسبت محفلی...

رسول خدا می باشد. علت دیگری که درزمینه رول اساسی داشت عدم منازعهٔ مجاهدین بودچون درآن زمان قدرت وزعامت مطرح نبود وتنها رقابت درقربانی مطرح بودکه کدامیک خوبترقربانی می دهد وکدامیک خوبتر در میدان جنگ می رزمد. این بود که مجاهدین پیروز شدند.

متعاقباً نوبت به شیخ محمد آصف محسنی رسید او طی صحبت شان گفتند:

«درست پانزده سال پیشتراز امروز ، روز۲۶ دلو روزی بود که به ایام الله تبدیل شد وما آن را روزعزت مسلمانان نام گذاشتیم. افغانستان از سال۱۳۵۷ تاپانزده سال پیش به یکی از سنگرهای مهم جهادی بین جهان اسلام وکفر در آمد. کمونیزم بین المللی دست های خود را یکی کردند وبرافغانستان حمله نمودند. که اگر افغانستان سقوط می کرد کشورهایی از ماقوی تر سقوط می کرد وتاریخ ورق می خورد.

اما بسا از کسانی که مجاهدین را تقبیح می کنند، در آن زمان درکنج عافیت بسر می بردند، مگرامروز از موجودیت مجاهدین احساس کمبودی می کنند. نباید ما به آن افتخارات وپیروزی های خود مغرور باشیم ونه به شکست های بعدی خود خود را ذلیل فکر کنیم بکتعداد افراد امروز ما را بهراسانند که نام جهاد را گرفته نتوانیم.

بحمدالله قانون اساسی ماهم صد در صد اسلامی عیار شده است واین از برکت خون شهدای ما می باشد.

وی علاوه نمود که«فعلاً افغانستان به بازسازی ضرورت دارد وباید بنای اقتصادی را تقویت بخشیم وافراد مسلمان را به چوکی های بالا بگماریم ویگانه راه آن این است که قانون اساسی رامحور کار قرار دهیم نه خود تخطی کنیم ونه دیگران را به تخطی از آن بگذاریم، همه از آن پیروی کنیم وبه آن جامهٔ عمل بپوشانیم.

آقای محسنی همچنان کلمهٔ تفنگ سالار را رد نمود وگفت«وقت آن گذشته که سلاح به دست داشته باشیم اما بعد از تفنگ سالاری چیزی دیگر به نام چوکی سالاری نیز وجود دارد که مورد انتقاد باشد.

بیایید از هردوگذشته شایسته سالاری را روی کار کنیم»

سپس سیدمحمد علی جاوید در پیرامون موضوع مختصرا صحبت نمود ومحلس بااتحاف دعا بر روان شهدا خاتمه یافت.

گزارشگر: ملکیار

آیا دین با سیاست آلوده می شود؟!

اعزامی

در شماره مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۳ جریدهٔ اقتدار ملی مطلبی تحت عنوان "دین را با سیاست آلوده نکنید" به چاپ رسیده بود که عدم توجه به آن موجب غفلت و بی پروایی و چراغ سبز نشان دادن به تهاجم فرهنگی علیه موازین وارزش های عالیهٔ اسلام عزیز می گردد.

عنوان مزبور ظاهراً زیبا و با افادهٔ مفهوم دو پهلویش، شاید توجه خیلی از جوانان و سیاست دانان خسته از دین را به خود جلب نموده باشد و بنا بر همین ویژگی از لا به لای امواج رسانه های خبری مهم جهان نیز مورد استقبال قرار گرفت. دلچسپی عده یی به این خاطر بر انگیخته شد که از جامعهٔ مبتنی بر دین و معنویت، خوششان نمی آید و هر کجا حرفی و یا نوشته یی را بشنوند و ببینند که در مورد تفکیک دین از سیاست ارایه شده، از آن تقدیر نموده و همنوا با گوینده ویا نویسندهٔ آن در جهت اشاعهٔ آن می کوشند تا اگر موفق شوند سنگ تهداب یک جامعهٔ سکولار را بگذارند. عدهٔ ساده لوح دیگر شاید به این خاطر به عنوان نامبرده علاقه مندی نشان داده باشند که گویا بنابر اخلاص و دلسوزی یی که به دین دارند، نمی خواهند دامان پاک آیین شان با اختلاط سیاست، آلوده شود. به اعتقاد این قماش دوستان گویا سیاست به دین سرایت می کند ودین را نیز آلوده می سازد! لهذا، باید متوجه بود که دین را از سیاست دور نگهداشت تا مقدسات دین محفوظ باقی بماند!!

به هر حال اکنون ما اصرار نداریم که نویسندهٔ مقاله "دین را با سیاست آلوده نکنید" بنابر دشمنی با دین این مطلب را نوشته و یا بنا بر ارادت ساده لوحانه به دین، روی همرفته هر قصد و نیتی که وی در سر دارد و او را وا داشته است تحت عنوان فوق مافی الضمیر خود را به رشتهٔ تحریر بیاورد، با احترام به آزادی بیان و مطوبوعات با استفاده از این حق به خاطر روشن شدن حقایق، در قدم نخست از نویسندهٔ نشریهٔ اقتدار ملی می پرسیم، آیا دین با سیاست آلوده می شود؟

هموطن ما شاید با قلم رسا و فکر شیوایش، خاموشی اختیار ننموده و به رسم پاسخ گویی، بار دیگر دست به قلم برده و چیزهایی را بر صفحهٔ کاغذ رقم بزنند که البته به بررسی آن در موقعش خواهیم پرداخت.

قبل از آن که وی زحمت پاسخ نویسی را بکشند، چند مطلب را صمیمانه خدمت شان به عرض می رسانیم تا با توجه به آن هردو تیپ هوا خواهان جدایی دین از سیاست اعم از سکولار یست های آگاه ویا متدینان نا آگاه نیز متوجه حقیقت مسأله شوند:

۱- افغانستان یک کشور اسلامی می باشد و بنابر آمار های سابق بیشتر از ۹۹ فیصد مردم آن مسلمان است، در همچو یک جامعه یی که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن مسلمان باشند، آیا ممکن است که سیاستمداران (رجال دولتی) آن بیگانه از دین باشند؟ طبعاً جواب نگارندهٔ اقتدار ملی منفی است. زیرا ملت مسلمان هیچگاه حاکم و سیاستمدار نا مسلمان را به سرنوشت خود حاکم نمی کند، بلکه ملت مسلمان حکام (سیاستمداران) مؤمن و متعهد را برای ادارهٔ امور خود بر می گزینند و آثار ایمان داری و تعهد دینی چنین سیاست دانان، طبعاً در نحوهٔ اعمال سیاستها و اجرات آن ها در ادارهٔ امور کشور و مردم منعکس می شود، بناءً اختلاط سیاست با دین ناگزیر می شود. جدایی دین از سیاست به زعم نویسندهٔ اقتدار ملی زمانی میسر می گردد که ادارهٔ امور جامعهٔ اسلامی به افراد نا مسلمان تفویض شود که چنین پنداری از ریشه پوچ می باشد.

۲- دین در اصل هرگز با سیاست آلوده نمی شود مشروط بر این که سیاست منبعث از دین باشد، ولی اگر سیاست ناشی از هوی و هوس افراد باشد ویا از مسلک های ضد دین پیروی کند، در آن صورت واقعاً که غبار سیاست، سیمای حقیقی دین را آلوده جلوه می دهد. در غیر آن پایه های دین با سیاست تقویت گردیده و گسترش می یابد. اگر به زبان ساده سیاست را مردم داری یا ادارهٔ امور خلایق ویا به عبارهٔ دیگر زمامداری بدانیم، پس این شیوه ها و اسالیب ادارهٔ امور مردم (سیاست) رابطهٔ تنگاتنگی با دین دارد و در متون دینی، این شیوه ها وطرق نشان دهی شده اند و سیاستمدار مسلمان مکلف است که با تبعیت از همان شیوه ها، هم تدین و ایمان داری خود را به اثبات برساند وهم به آرا وعقاید دینی شهروندان خود احترام بگذارد، در غیر آن او سزاوار حاکمیت و زمامداری بر ملت مسلمان نمی باشد.

۳- واقعاً ندانستیم که جناب نویسندهٔ این مطلب، چرا اختلاط دین را باسیاست، موجب آلوده شدن دین انگاشته اند؟ از جناب ایشان می پرسیم، مگر سیاست پدیده یی نجس و عملی حرام است که از اختلاط آن با دین، دین نیز آلوده و نجس گردد؟!

بیایید فرض کنیم که اگر این قضاوت نویسندهٔ اقتدار ملی درست باشد، پس به زعم او گویا تمامی سیاستمداران اعم از رؤسای جمهوری، نخست وزیران، سلاطین، امرا، رهبران، وزیران و مدیران جامعه که همانان گردانندگان امور مردم و کشور اند، همه بلا استثنا آلوده و ملوث اند! در حالی که چنین حکمی ویا گمانی از یک آدم صاحب عقل وخرد به دور است و نباید هم سیاستمداران را به آلوده بودن متهم کرد، به زعم نویسنده مذکور هرگاهی که اینها در عین سیاستمداری، ادعای دینداری و مسلمانی کنند، گویا دین را آلوده کرده اند؟!

۴- اگر نویسندهٔ نشریهٔ جریدهٔ اقتدار ملی بنابر تعهد ایمانی و منتهای دلسوزی به حفظ مقدسات دینی، مطلب مذکور را عنوان کرده است، در آن صورت باید سیاست و سیاستدان را منحیث کل آلوده و پلید قلمداد نمی کرد، بلکه باید بین سیاست های مشروع و معقول و سیاست های نا مشروع و غیر اسلامی تفکیک قائل می شد و به اولیای امور توصیه می کرد که در رفتار و اجرات شان در جریان زمامداری، بایست از تمسک به سیاست های نامشروع وغیر اسلامی اجتناب نمایند، در غیر آن دامان مقدس وسپید دین در جامعهٔ اسلامی آلوده خواهد شد.

۵- اگر منظور نویسنده اشاعهٔ اندیشهٔ سکولاریزم (جدایی دین از سیاست) باشد، ولی ظاهراً با صبغهٔ دلسوزی به دین، نخواسته است که احساسات مؤمنان را بر انگیزد، به این هموطن مان محترمانه باید عرض کنیم که عنوان کردن مطالب گمراه کننده در لباس دوستی با دین، خصوصاً تبلیغ و دعوت در جهت سکلولاریزم که از عنوان مقالهٔ ایشان به صراحت هویداست، عملی است اشتباه. همچو فعالیت هایی غیر اسلامی در یک جامعهٔ اسلامی نه تنها جا نمی افتد بلکه عواقب بدی را نیز در پی دارد چنانچه تجربهٔ گذشتهٔ احزاب چپی در جدا کردن دین از سیاست، چراغی بر فراز راه همگان است و نباید به این زودی آن تجارب تلخ را به باد فراموشی سپرد و با تکرار تجربهٔ آن ها یک بار دیگر کشور را در منجلاب بدبختی پرت کرد.

۶- نکتهٔ اخیری که خدمت هموطنان مان در جریدهٔ اقتدار ملی و دیگرانی که در بی اقتداری به سر می برند و به نسبت بحران ۲۵ سالهٔ حاکم بر کشور، از درک روح دین به دور مانده بودند عرض شود که خداوند حفیظ در کتاب پاکش به یقین و تأکید وعده داده است که از آیین وکتاب مقدسش حفاظت و پاسبانی می کند. سیاستمداران را یارای آن نیست که با سیاست های نامشروع شان، دامان پاک دین را آلوده کنند. در جریان سه دههٔ اخیر که به یقین می توان آن را دهه های بحران و فتور نامید، خیلی از عناصر و حلقات ضد دین تلاش کردند تا قول معروف جد شان (کارل مارکس) را که گفته بود: "دین افیون ملت هاست" در جامعهٔ افغانستان به کرسی بنشانند، مگر آن تلاش ها نه تنها ثمری به آن ها نداشت، بلکه مجاهدان وعاشقان دین بیشتر از پیش در سنگر دفاع از دین حضور یافتند و سیاست های دین ستیزانهٔ آن ها کوچکترین خدشه یی بر عقاید دینی مردم وارد نکرد.

مشورهٔ ما به این هموطن مستعد و با نشاط مان این است که همه استعداد و نشاط خدا داد شان را در جهت التیام زخم های ناسور این ملت مظلوم که هنوز همگان از آن رنج می برند، به کار بگیرد و با تشخیص دادن خطوط سرخ وخطر، بار دیگر دین وعقیدهٔ مردم را نشانه نرود بلکه هم خودش به حقانیت و وجاهت ارزش های دینی به تفکر بپردازد و هم به عقاید قریب به اتفاق ملت خود احترام بگذارد، ملتی که به خاطر صیانت از مرزهای عقیدتی خود همه هستی خود را در راه خدا قربان کرده است، تحمل اهانت به مقدسات را به هیچ صورتی ندارند.

سطور بالا را به این منظور ننوشتیم که باب تنافس را با این ویا آن نشریه بگشاییم، بلکه هدف این است که به بهانهٔ آزادی بیان و مطبوعات نباید جو آرام، روشنگرانه و آموزندهٔ فرهنگی کشور را با سخنان ویا نوشته های زننده و محرف، مسموم کرد. امیدوارم که هموطن فعال مان در نشریهٔ اقتدار ملی و سایر فرهنگیان وصاحبان قلم و سخن و دانش در هر کجا و در هر موقفی که قرار دارند، از مجوز آزادی مطبوعات، استفادهٔ سالم نموده و آزادی را به مفهوم تاخت و تاز برارزش های دین وارزش های منبعث از آن تلقی نکنند.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان ...

وآزادگی چیرگی یابد. خون های پاک دوشیزگان و جوانان کابل در سه حوت جاده ها و خیابان ها را رنگین ساخت، وچنان طوفانی لرزه در کاخ اشغالگران افگند.

تجلیل از یادوارهٔ سه حوت امسال در حال و هوایی دیگر صورت می پذیرد.

اکنون قانون اساسی به تصویب رسیده است و ما در ماه های نخست سال آینده، شاهد انتخابات ریاست جمهوری وپارلمان در کشورخواهیم بود.

یقیناً همان گونه که ملت مسلمان افغانستان در برابر توطئه های اشغال و تجاوز از خود با سردادن شعارهای الله اکبر حماسه های فراموش ناشدنی در طی سال های جهاد ومبارزه آفریدند. معرکهٔ جدید و آزمون نو در کشور از همهٔ ما می طلبد که در برابر چالش های جدید هشیار باشیم و نگذاریم افتخارات ما توسط جریان های نامعلومی مورد سؤال قرار گیرد. فلسفهٔ این همه مبارزات این بود که زمینه یی فراهم آید تا زور گویی وزور مداری جایش را به ادارهٔ جمعی مردم ومشارکت آنان در امر مدیریت و رهبری جامعه بدهد.

در این زمینه باید با تأسف یاد آور شد که روزهای تاریخی ملت در طی چند دههٔ پسین به صورت مستقیم وغیر مستقیم طرف بی مهری دولتمردان قرار می گیرد اکنون مردم می پرسند چرا از ۲۶ دلو که روز اخراج نیروهای شوروی از افغانستان است تجلیلی شایسته از طرف دولتمردان به عمل نیامد.

پیام جمعیت به همهٔ مردم فدا کار این کشور این است که این روز ها از افتخارات و حماسه های تاریخی و ماندگار ما است وما همه وجیبه داریم که از آن ها تجلیل نماییم تا درسی باشد برای فرزندان و نسل های آیندهٔ این کشور.

قبايلي سيموكي پنځه تنه ترهګر ونيول شول

دپاکستان امنيتي خواکونو ددغه هيواد په قبايلي سيموکي دالقاعدي دتنظيم پنځه تنه غړي ونيول. دغه کسان دپيښور دخيبر ايجنسي دجمرود په سيمه کي هغه وخت ونيول شول چي دپوليسو لخوا کلابند شول په نيول شويو کسانو کي يو افغاني دوه پاکستانيان او يو مراکشي شامل دي او دپنځم کس هويت لاتر اوسه نه دي څرګند شوي.

ويل کيږي چي په نيول شويو کسانو کي دوو تنو پرجنرال پرويز مشرف باندي دبريد په ترسره کولو کي لاس درلود.

کانال های فضایی وپیامدهای منفی آن بر کودکان

تلویزیون بینندگان خود را برکسالت وخمود عادت می دهد و در وجود آنان روح منفی گرایی ومسؤولیت ناپذیری می دمد!

سیدناصر تقدسی

مضامین ومحتویات بسیاری از کانال های فضایی جهانی بویژه کانال های غربی وحتی کانال های برخی از کشورهای اسلامی نیز از چارچوب اباحی گری، هوس بازی وانحطاط بیرون نیست... وهمچنان فعالیت این کانال ها براتنشار برنامه ها وفیلم های غیر اخلاقی متمرکز است برنامه هایی که قضایای غریزی، جنسی، بی عفتی، جرمی ورویهمرفته آوازخوانی وپایکوبی ضدشرف واخلاق انسانی را درمیان بینندگان نیرو می دهد وقوت می بخشد. وافزون برآن پروگرام های هنری بیهوده وبی ارزش دیگری را نیز در بردارد.

بنا براین غالباً برنامه ها، فیلم ها ونوارهایی که درصفحات تلویزیون ها وکانال های فضایی غربی وهندی پخش می گردد، از رهگذر روانی، عقلی، صحی، دینی، اخلاقی وسلوکی برکودکان ونوجوانان اثر منفی می گذارد، که ما به طور اختصار در سطور زیرینه برخی از تأثیرات سلبی وخطیر آن را یاددهانی می کنیم:

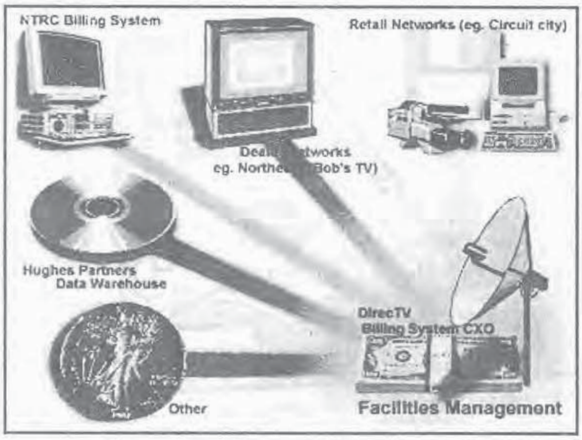
- بطور اکثر، کانال های فضایی بویژه کانال های تلویزیونی مغرب زمین که پای بند هیچ گونه ضوابط دینی واخلاقی وقانونی نمی باشند، عرایز حیوانی را دروجود کودکان برمی انگیزند ودوافع جنسی وعاطفی آنان را پیش از نضج طبیعی آن، بیدار می کنند واین موضوع بدون شک اضرار عقلی وروانی وبدنی خطرناکی را برای کودکان ونوجوانان به دنبال خواهد داشت.

- تحقیقات وپژوهش هایی که در پیرامون آثار وپیامد های تلویزیون برصحت روانی انسان، از طرف کارشناسان انجام شده است، می رساند که تلویزیون بینندگان خود را برکسالت وخمودعادت می دهد و دروجود آنان روح منفی گرایی، مسؤولیت ناپذیری، شکست، عدم قیام به ادای واجبات دینی ودرسی و... را شایع می سازد، چنان که ایشان را از کارهای بزرگ وسازنده واهداف بلند باز می دارد وبه کارهای پیش پاافتاده وبی ارزش مشغول می نماید.

- معاینات وبازجویی های اکادمیک طبی درمورد اطفال، نشان می دهد که نشستن طولانی کودکان دربرابر صفحهٔ تلویزیون آثاری وخیم از نگاه صحی مانند کوژپشتی وضعف بینایی برآنان وارد می کند.

- تلویزیون گاهی به مدرسهٔ ارتکاب جرم وفساد تبدیل می شود، برنامه ها وفیلم هایی که از طریق تلویزیون ها مخصوصاً کانال های غربی به منظور به بیراهه کشاندن جوانان ونوجوانان به دست نمایش گذاشته می شود، در واقع مدرسه یی است که نسل های انسانی را به سوی جرم وفساد واباحی گری سمت می دهد وارزش ها را در انظار آنان باژگونه می نمایاند ومهم تر از همه این که خورد سالان را برمبنای انحراف وتشدد وتقلید کورکورانه تمرین می دهد.

- خطرناک ترین مفاسد کانال های تلویزیونی وبه طور اخص تلویزیون های غربی مانند کانال های اروپایی وامریکایی این است که تمام این چینل ها به خاطر برافگندن بنای ارزش های دینی وعقیدتی واخلاقی وفرهنگی امت اسلامی دست به نشر فساد وبی پاکی واباحی گری می زنند. وباهزار تأسف کشورهای اسلامی نیز باپیروی از کانال های تلویزیونی غرب، عین همان برنامه را پخش می کنند وبه گمراهی ملت های مسلمان دست می یازند و در این اواخر درکشور اسلامی خودمان افغانستان نیز روند کارنشراتی تلویزیون دولتی آرام آرام به همین سمت ناپسندیده درحرکت است. درحالی که خداوند متعال برای عاملان وکارگردانان چنین برنامه ها وعید سخت می دهد ومی فرماید:«آنانی که دوست دارند کارهای ناروا وفاحشه را درمیان مؤمنان اشاعه دهند، برای آنان در دنیا وآخرت عذابی درد دهنده تعیین شده است.»



انتخابات چالش قدرت و...

وصرفاً وسیلهٔ ارتقای قدرتمندان گردد. هدف اساسی ارایهٔ تعلیمات مدنی این است که افغان ها را از پرنسیب اشتراک سیاسی قانون اساسی و طرز العمل رأی دهی از طریق پخش رسانه های گروهی ورکشاپ ها و به طرز شفاهی آگاه سازد در ضمن تعلیمات مدنی جهت تخلیق فضای اعتماد در پروسه انتخابات تشویق همکاری میان رأی دهندگان، ایجاد مفکورهٔ تحمل، فعالیت سیاسی صلح آمیز وقبول نتایج انتخابات ضروری پنداشته می شود.

چنین پنداشته می شود که برگزاری انتخابات در افغانستان بیشتر در راستای انتظارات بین المللی صورت می پذیرد، تا خواست وارادهٔ مردم افغانستان به سخن دیگرسازمان ملل می خواهد سیستم نظریاتی خویش را بالای این کشوراعمال کند، طوری که دیده می شد بسیار از دشواری های این کشور از سوی اداره ملل متحد و به ویژه ایالات متحده امریکا به وجود آمده بود. قسمی که نمونه های بارز آن در حکومت مجاهدین و ادارهٔ طالبان استشمام می گردید. باید در نظرداشت که این افغان ها اند که برای اشتراک در پروژه های تعلیمات مدنی، ثبت و راجستر جهت رأی دهی و درک حقوق سیاسی شان در انتخابات دعوت می شوند وبالاخره این افغان ها اند که نتایج وپیامدهای آن را متحمل خواهندشد.

در حالی که مردم افغانستان همیشه خواهان تامین صلح و امینت خلع سلاح وبرپایی حکومت قانون اند، معلوم نیست که برگزاری انتخابات تا چه حد می تواند آرزوهای آن ها را بر آورده سازد. اما آنچه مهم است، این خواهد بود که انتخابات در این برهه یی از زمان پاسخگوی نیاز های مردم نبوده و بهتر آن خواهد بود که الی ایجاد تحولات مثبت در متن جامعه معطل قرار گیرد. تاالکنون کدام برنامه دقیق و مناسب برای راه اندازی انتخابات طرح نگردیده است عدم موجودیت برنامه لازم برای راه اندازی انتخابات وناتوانی سیاست گذاران در تعیین مسؤولیت ها، مشکل عمده در این راستا به شمار می رود. با وجود آن

> **عدم موجودیت برنامه لازم برای راه اندازی انتخابات وناتوانی سیاست گذاران در تعیین مسؤولیت ها، مشکل عمده در این راستا به شمار می رود اگر توافق نامه بن دقیقاً ارزیابی گردد. این معاهده بیشتر جهت تقسیم غنایم جنگی بود، تا تأمین صلح وثبات در افغانستان**

که کنفرانس بن پروسه ثبت رأی دهندگان و ارایهٔ تعلیمات مدنی را بردوش سازمان ملل گذاشته است، مگر مسؤولیت اساسی متوجه دولت افغانستان می گردد. اما طوری که از قراین پیداست دولت تا اکنون عملاً کاری قابل ملاحظه را در این راستا انجام نداده است. هنوز تصور این که دولت چگونه خواهد توانست به کمک سازمان ملل مسؤولیت انتخابات را به عهده گیرد خیلی بعید به نظر می رسد. اگر توافق نامهٔ بن دقیقاً ارزیابی گردد. این معاهده بیشتر جهت تقسیم غنایم جنگی بود، تا تأمین صلح وثبات در افغانستان (چنان که زمانی نمایندهٔ خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان لخضر براهیمی آن را اشتباه بزرگ نامید).

علت عمدهٔ بی ثباتی و بی امنیتی کشور را همانا در استراتژی کوتاه بینانه مطرح در بن مبنی بر شامل نمودن آنانی که به بی اعتنایی به قوانین کشور مشهور اند می توان جستجو کرد، معاهدهٔ بن نه تنها توازن شکننده میان احزاب راتداوم ومشروعیت بخشید، بلکه با تعیین مدت کوتاه ۲،۵ سال جهت حصول اهداف آن یعنی صلح وثبات غیر واقع بینانه عمل نمود.

مطابق دستور العمل قانون اساسی انتخابات ریاست جمهوری از انتخابات پارلمانی جدا بوده و ادارهٔ انتقالی می تواند الی برگزاری انتخابات در قدرت باقی بماند. در متن قانون اساسی درج است که رئیس دولت صلاحیت دارد طی شش ماه فرمان انتخابات را صادر نماید، ولی از چوکات زمانی مشخص برای برگزاری انتخابات ذکری به عمل نیامده است.

ادارهٔ کرزی، سازمان ملل وهیأت تنظیم انتخابات می توانند با استناد بر این قانون به شکل مشروع وقانونی آن به تعویق افگندن انتخابات را الی تأمین امنیت، برنامه ریزی و تأمین وجه کافی تقاضا نموده بعداً مطابق به شرایط چوکات زمانی مشخص را برای آن تعیین کنند.

انتظاری که از سازمان ملل متحد برده می شود این خواهد بود که این سازمان می تواند تشکیل یک ساختار جدید ومؤقت سیاسی با طرز زمان بندی معین توام با ارایهٔ کمک های دراز مدت را در نظر داشته باشد.

البته برنامه هایی جهت تدویر کنفرانس بزرگ دوم توکیو برای جلب کمک های بیشتر روی دست است.

همزمان با کنفرانس دوم توکیو ممکن کنفرانس روم - بن نیز جهت بحث پیرامون مسائل سیاسی کشور تدویر گردد. این کنفرانس در صورت طرح استراتژی دقیق سیاسی واقتصادی بازمان بندی واقع بینانه تر برای انتخابات وکمک های دراز مدت می تواند نتایج مثبتی برای آیندهٔ افغانستان در قبال داشته باشد. نظر عمومی بر این است که دور نمای به تعویق انداختن انتخابات الی تنظیم امور، تأمین حکومت قانون، خلع سلاح، تعلیمات مدنی، و به دست آوردن بودجه کافی به مراتب بهتر خواهد بود. اما صرف در تعویق افگندن آن به چند ماه محدود نمی توان نتیجهٔ مثبتی به دست آورد. آنچه مهم است همانا ختم درگیری ها، تشویق پروسهٔ آشتی ملی، دفاع از حقوق بشر وتأمین صلح پایدار می باشد. این سخنان بدان معناست که باید چوکات زمانی فعلی انتخابات مورد باز نگری قرار گرفته واستراتژی جدید با کمک جامعهٔ بین المللی مبنی بر درک واقع بینانهٔ اوضاع سیاسی وامنیتی کشور که بتواند پاسخ گوی نیاز های جامعه باشد طرح و در عمل پیاده گردد در حال حاضر فشار قابل ملاحظه برای برگزاری انتخابات وتطبیق ریفورم واصلاحات وجود دارد.اما باید سیاست گزاران اندکی به عقب نگریسته واز خویش بپرسند که آیا قمار بر آینده افغانستان ارزش این همه رسک را دارد؟

نمایندهٔ جدید سازمان ملل...

وآرزومند بلند بردن حیثیت ومقام معنوی سازمان ملل در افغانستان هستند.

یوناما در کابل وسراسر افغانستان مطابق قطعنامهٔ شمارهٔ(۱۴۰۱) شورای امنیت. که در اجلاس بیست وهشت مارچ۲۰۰۰ صادر شد این وظایف وتعهدات مهم را بردوش دارد:

- هماهنگ سازی وجلب کمک های دول وملل جهان برای افغانستان، در امر بازسازی این کشور.

- کمک به مردم افغانستان وسازماندهی بی طرفانه ومثبت ظرفیت های موجود ملی برای شکل گیری حاکمیت واقتدار ملی در این کشور براساس رأی وارادهٔ آزاد مردم که باید عاری وفارغ از هرمداخله یی صورت بگیرد.

- رسیدگی واقع بینانه به اوضاع نا امن موجود وکمک به امر مهم انتخابات با رعایت بی طرفی وعدم جانبداری از طرفهای مطرح که باید در کارزار انتخاباتی به رقابت بپردازند.

- نظارت براجرای دقیق وهمه جانبهٔ موافقتنامهٔ بن که در اواخر سال دوهزار بین گروه ها وطرفهای مهم ومطرح در افغانستان وسازمان ملل به امضا رسیده است.

- آقای فرانسوا آرنولت چگونه به این خواست های معقول ومتناسب به اوضاع افغانستان دست خواهد یافت وآیا مقام معنوی وبی طرفی سازمان ملل در روند تحولات در افغانستان ارتقا خواهد یافت؟ گذشت زمان به این پرسش ها پاسخ درخور خواهد داد.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۳۳ چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۸۲ ۲۷ ذوالحجة ۱٤۲٤ - 18 February 2004

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

قابل توجه ریاست محترم دولت وکمیسیون محترم ثبت نام رأی دهندگان برای انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی ونمایندگی ویژهٔ سازمان ملل در امور افغانستان!

نامه یی سرگشاده از استاد ربانی در رابطه با سهمگیری هموطنان مهاجر در برنامهٔ انتخابات آینده

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

با آرزوی موفقیت ملت عزیز افغانستان وآرامی وآبادی واستقرار صلح سراسری در کشور وآرزوی موفقیت برای شما در این راستا پیشنهاد مشخص جمعیت اسلامی افغانستان را در مورد سهمگیری هموطنان مهاجر در انتخابات آیندهٔ کشور تقدیم می دارم.

طوری که این مقامات محترم اطلاع دارند به تعداد چند میلیون از هموطنان عزیز، بیرون از مرزهای کشور ودر سراسر کشورهای جهان به گونهٔ پراگنده زنگی می کنند که عودت همهٔ آنان در خلال چندماهی که به انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی کشور باقی مانده است میسر نیست.

چون آن عده از هموطنان عزیز مان در کشورهایی زندگی می نمایند که از نزدیک انتخابات ونحوهٔ برگزاری آن را در کشورهای محل اقامت شان مشاهده کرده اند، به ویژه کسانی که در کشورهای اروپایی، کانادا، امریکا وحتی برخی از کشورهای منطقه اقامت دارند، جریان های انتخابات داخلی احزاب، نامزد شدن ها به پارلمان های کشورها ونحوهٔ انتخابات ریاست جمهوری را از راه وسایل ارتباط همگانی پیگیری کرده اند، پیشنهاد مشخص این جانب وجمعیت اسلامی افغانستان در این رابطه این است که برای این که هموطنان ساکن در کشورهای خارجی از این حق مسلم رأی دهی محروم نشوند، باید دولت در این مورد تجویزی بگیرد تاحوزه های انتخاباتی باتفاهم باکشورهایی که هموطنان به به تعداد زیادی در آن ها اقامت دارند زمینهٔ استفاده از حق رأی مساعد شود، با این کار در پهلوی این که این هموطنان مقیم درخارج کشور به یک حق مسلم خویش می رسند، از طرف دیگر، آنان خویشتن را شریک سرنوشت کشور می دانند واین امر پروسهٔ برگشت شان را جهت مشارکت درحیات سیاسی واجتماعی سرعت می بخشد. آرزومند است به این مسأله بذل توجه نمایند وتصمیم در این مورد را به اطلاع هموطنان مقیم درخارج کشور برسانند.

باالاحترام
برهان الدین ربانی

نمایندهٔ جدید سازمان ملل در امور افغانستان تعیین شد

ژان فرانسوا آرنولت شهروند فرانسه که ۵۳ سال دارد، و در ایالت متحدهٔ امریکا وبریتانیا تحصیل نموده است، در دفتر نمایندگی ویژهٔ سازمان ملل برای افغانستان در کابل به صورت رسمی شروع به کار کرده است.

جانشین اخضر ابراهیمی که علاوه از زبان فرانسوی به انگلیسی، روسی واسپانیایی وبه گونهٔ شکسته به فارسی نیز تکلم می نماید، به صفت نمایندهٔ جدید دبیر کل سازمان ملل در امور افغانستان، رهبری شانزده ادارهٔ مربوط به سازمان ملل در افغانستان را عهده دار خواهد بود.

دفتر نمایندگی یوناما در افغانستان۴۴۳ کارمند در کابل، قندهار، مزار شریف، هرات، بامیان، جلال آباد، کندز وگردیز دارد.

وی که قبلاً هنگام ماموریت نمایندهٔ پیشین سازمان ملل، اخضر ابراهیمی به صفت معاون نمایندهٔ دبیر کل آن سازمان در افغانستان ایفای وظیفه می کرد، تاحدودی به اوضاع افغانستان آشناست ودرجریان تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی بانگاه ژرف تری به چالشها ودشواری های کار(یوناما) آگاهی حاصل نموده است.

مردم افغانستان ضمن توجه به خدمات نمایندهٔ پیشین دبیر کل سازمان ملل در امور افغانستان وباوجود آن که نسبت به نحوهٔ نگرش وعملکرد(یوناما) به ویژه بعد از کنفرانس بن الی تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، شکایات وملاحظاتی دارند، برای آقای ژان فرانسوا آرنولت طلب موفقیت می کنند ص۷

دافغانستان دعالمانو شورا له ولسمشر سره دکتني په ترڅ کي:

داسلامي ارزښتنو دساتني غوښتنه وکړه

نن دټول هیواد دعالمانو شورا نږدي۱۰۰تنو استازیو له محترم حامدکرزي سره داسلامي ارزښتونو دساتني په خاطر په یولړ مهمو مسلو باندي خبري وکړي.

ویل کیږي چي په دي غونډه کي په افغانستان کي دامریکا متحده ایالاتو لوی سفیر زلمي خلیلزاد هم برخه اخیستي وه. دوي دغونډي برخه والو ته په خپلو خبرو کي وویل، زه په خپله مسلماني ویارم. امریکا دافغانستان دخلکو دیني او فرهنګي ارزښتونوته درناوي لري اوتل دوه ارخیزي ګټي په پام کي نیسي.

دغه راز محترم کرزي غونډي ته په خطاب کي وویل: اسلام زموږ په ټولنه کي ژوري ریښي لري او له متمدنو ارزښتونو سره ضدیت نه لري له دي امله موږ خان داسلامي اصولو په عملي کولو پابند بولو.

په پاي کي دعالمانو شورا غړیو یو پریکړه لیک صادر کړ چي په هغه کي ئي په هیواد کي دمخدره موادو کښت او قاچاق او دالکولي موادو دبندولو غوښتنه وکړه.

دغه راز په پریکړه لیک کي خان وژنه او دنورو بي ګناهو انسانانو وژنه تویونه ستره ګناو بلله شوه او هم ئي دتلویزیون له لاري دښځینه ډلي دسندرو دخپریدو غندنه وکړه او هغه ئي داسلام خلاف عمل وباله.

په غونډه کي محترم کرزي دعالمانو شورا غړیو ته داد ورکړ چي داطلاعاتو او فرهنګ وزارت ته به سپارښتنه وکړي ترڅو په دي برخه کي لازم اقدامات وکړي

دامریکا متحده ایالاتو دمالیي وزارت معین:

افغانان باید په اقتصادي لحاظ په خپلو پښو ودریږي

حامد کرزي ورمه ورځ دامریکا متحده ایالاتو دمالیي وزارت معین ډاکتر جان تیلور او ددفاع وزارت له مرستیال ډاکتر دوف اس ذکیم سره د دولت دریاست په مقر کي وکتل.

پدي کتنه کي دواړو خواو په افغانستان کي دبیارغاوني، اقتصادي ودي او پانګي اچوني دبهیر، دمتحده ایالاتو دمرستو دچټکتیا او دولایتي بیارغاوني دتیمونو دپراختیا په باب خبري وکړي.

دامریکا دمالیي وزارت معین دافغانستان خلکو ته دخپل هیواد دمالي او اقتصادي مرستو په دوام ټینګار وکړ وي ویل: دافغانستان داقتصادي حالت او اوسنیو ستونزو په پام کي نیولو سره غوارم داسي لاري چاري ولټوم چي په بیلابیلو برخوکي دنړیوالي ټولني مرستي زیاتي شي او ترڅه وخت پوري دوام وکړي چي افغانستان په اقتصادي لحاظ په خپلو پښو ودریږي.

دامریکا دمالیي وزارت معین زیاته کړه په دي لته کي دي نور هیوادونه هم په افغانستان کي پانګي اچولو او مرستي ته راوهڅوي ترڅو په ټولو برخو کي دبیا رغاوني بهیر ګړندي شي

از نامه های آمده

بر حکم قانون باید عمل کرد!

به ادارهٔ محترم هفته نامهٔ مجاهد:

نظر به مشکل بی سرپناهی در سال۱۳۷۱از طرف دولت وقت در بلاکهای قصبهٔ خانه سازی یک باب اپارتمان در بدل کرایهٔ امتیازی برایم داده شد که تاالحال در آن سکونت دارم وهمانند من چندین فامیل دیگر مأمورین دولت نیز تحت همین مقررات در آن بلاکها مسکن گزین می باشند. در سال۱۳۷۶ریاست تصدی خانه سازی کرایهٔ امتیازی اپارتمانها را به کرایهٔ تجارتی ارتقا داد ولی از این که برای مأمورین دولت پرداخت کرایهٔ تجارتی طاقت فرسا بود. حتی مسؤولان طالبان نیز بادرک وضع ناگوار مأمورین این پیشنهاد ریاست تصدی خانه سازی را نپذیرفته ولایحهٔ کرایهٔ امتیازی را مرعی الأجرا قراردادند.

بعد از سقوط طالبان از سال پار بدینسو ریاست تصدی خانه سازی به شکل خودسرانه وبدون در نظر داشت احکام مقامات مافوق دولتی اینجانب وسایر مامورین کرایه نشین دولتی را تحت فشار قرار داده وتقاضای پرداخت کرایهٔ تجارتی را می نمایند. در این مورد به اثر پیشنهاد مقام محترم ثارنوالی عمومی قوای مسلح، وزارت محترم شهرسازی و مسکن به ریاست تصدی خانه سازی صریحاً حکم صادر کرده است که طبق تعامل سابق کرایهٔ امتیازی اخذ نمایند. علاوه برآن ریاست محترم عمومی ادارهٔ امور حکم محترم معاون صاحب ریاست دولت انتقالی اسلامی را که در آن نیز از اخذ کرایهٔ استحقاقی امتیازی تذکر به عمل آمده است، به وزارت محترم شهرسازی ومسکن ارسال داشته که وزارت محترم شهرسازی مکرراً تعمیل این حکم را به ریاست تصدی خانه سازی هدایت داده است. در این قسمت رئیس تصدی خانه سازی بار دیگر از احکام مقامات ذیصلاح طفره رفته وبرضدیت خود پافشاری می نماید وزارت محترم شهرسازی و مسکن درمقابل به تأیید مکاتبه ریاست محترم عمومی ادارهٔ امورحکم معاون صاحب ریاست دولت را حایز اعتبار قانونی وقابل رعایت دانسته است.

خودسری ها وضدیت رئیس تصدی خانه سازی با این همه احکام قانونی فروکش نکرده حتی اوامر بعدی معاونان ریاست دولت هریک جناب هدایت امین ارسلا ومارشال صاحب فهیم را نیز سطحی انگاشته وحتی از قطع کردن برق منزل بنده نیز دریغ نکرده است.

عرض وپیشنهاد من به مقامات ذیصلاح این است که در شرایطی که جامعه در مسیر قانونمندی به پیش گام برمی دارد، باتشخیص همچو افراد واشخاص که هنوز هم هوای زورگویی وعدم اعتنا به قوانین ومقررات دولتی در افکارشان موج می زند، نگذارند اثرات منفی این گونه عملکردها ذهنیت مردم ما را در برابر تطبیق قانون مخدوش سازد.

باالاحترام
عبدالحی جرأت از ثارنوالی قوای مسلح